

فرومايگان و باتلاق سياست در ايران

حسين جوادى

Hossein Javadi

Independent researcher and founder of CPH theory, Tehran, Iran

Javadi_hossein@hotmail.com

چهارم مهرماه ۱۴۰۱

September 25, 2022

مقدمه:

از دوران کودکی به یاد دارم که بزرگترها، دوری جستن از سياست را رفتاری عاقلانه می دانستند و از سرنوشت شوم سياستمداران و ندامت و افسردگی طرفداران آنها می گفتند. همچنين شيادان، دو رويی و چاپلوسی را زرنگی و هوشمندی سياسی می دانند. در فرهنگ لغات زرنگی با معانی متضاد حيله گری، حقه بازی، هوشیاری و دانایی آمده است. همين تعابير متضاد برای سياست هم وجود دارد. در فرهنگ عمومی، سياست به معنی ریاکاری، حقه بازی و سراسر دروغ و نیرنگ است و در عين حال به معنی تدبیر، دوراندیشی و پاس داشتن کشور نیز بکار می رود. از اين تعابير متضاد می توان نتیجه گرفت یک رابطه مستقیم بين سياست و زرنگی وجود دارد، اگر زرنگان جامعه هوشمند و دانا باشند، سياستمداران مدير و دوراندیش خواهند بود، اگر زرنگان، چاپلوس و دو رو باشند، سياستمداران ریاکار و نیرنگ باز خواهند بود. بايد سياستمداران و زرنگان در خلاء رشد نمی کنند و هر دو گروه محصول فرهنگ کشورند، و تحت تأثیر مناسبات اجتماعی، اخلاقی، رفتاری و اقتصادی مردم رشد می کنند.

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران



سؤال من این بود، ورود به سیاست برای چه کسانی عاقبت خوشی ندارد؟ بعدها متوجه شدم مقامات بلندپایه و مردم عادی بازندگان بازی سیاست هستند. تقریباً همه دولت‌ها و مقامات ایران، حتی برخی از مقامات نظامی بعد از مشروطه عاقبت بخیر نشدند. در مجموع مردم هم روزگار خوشی نداشتند. اولین درسی که از آن می‌توان گرفت این است که یک رابطه مستقیم بین زندگی مردم و سرنوشت سیاستمداران و دولتمردان وجود دارد.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که در ایران سیاست باتلاقی است که باید خشکانده شود. به عبارت دیگر، باید سیاست را از جامعه ایرانیان حذف کرد تا هم دولت‌مردان آسوده و عاقبت بخیر شوند و هم مردم به آرامش و آسایش برسند. سؤال اساسی این است، آیا واقعاً سیاست را می‌توان از جامعه حذف کرد؟ اگر سیاست قابل حذف نیست، با باتلاق سیاسی چه باید کرد تا مردم در جایگاه حقوقی و انسانی خود قرار گیرند و کرامت انسانی آنها حفظ شود و دولت‌مردان و سیاست‌پیشگان نیز عاقبت بخیر شوند؟

قبل از هر چیز باید سیاست را بشناسیم. نگاهی گذرا به تاریخ پیدایش و تکامل علوم سیاسی نشان می‌دهد که شناخت سیاست سال‌ها نیاز به مطالعه فلسفه و مکاتب سیاسی و اقتصادی است و معلوم نیست از این طریق بتوانیم دلیل محکمی برای حذف یا تداوم سیاست در امور زندگی فردی و جمعی پیدا کنیم. از طرف دیگر، حوزه نفوذ و

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

نقش سیاست در زندگی فردی و اجتماعی انسان چنان گسترده و تأثیر گذار است که هیچ تعریف دقیق و همه جانبه‌ای از سیاست وجود ندارد. اما با جرأت می‌توان گفت سیاست با قدرت رابطه مستقیمی دارد.

به عقیده ارسطو، انسان حیوان سیاسی است. ارسطو تفاوتی بین روابط قدرت در حکومت و خانواده نمی‌بیند. در باور ارسطو دو نکته مهم وجود دارد: اول، انسان را نمی‌توان از برخی از ویژگی‌های حیوانی او تفکیک کرد. دوم، انسان با ویژگی‌های حیوانی متولد می‌شود و در فرایند آموزش و پرورش، ویژگی‌های اجتماعی را کسب می‌کند و اجتماعی می‌شود. هیچ‌گاه تمام ویژگی‌های حیوانی انسان به‌طور کامل تحت سیطره دانش، منش فرهنگی و قوانین اجتماعی قرار نمی‌گیرد. در شرایط بحرانی نظیر فجایع طبیعی یا اجتماعی ممکن است ویژگی‌های حیوانی برخی افراد تحت کنترل فرهنگ و ارزش‌های انسانی آنها قرار گیرد، اما عمومیت ندارد و کم نیستند کسانی که در چنین شرایطی تمام اصول اخلاقی و قوانین اجتماعی را پایمال می‌کنند.

باید توجه داشت که سیاست یک امر فردی نیست، حتی در حیات وحش هم سیاست وجود دارد و یک امر گروهی است و فردی نیست. به‌عنوان مثال، خرس‌ها تنها زندگی می‌کنند، خرس نر و ماده در فصل جفت‌گیری با هم هستند و وقتی احساس نیاز به جفت‌گیری برطرف شود، خرس نر دنبال زندگی تنهایی خود می‌رود. خرس ماده هم مدتی با توله‌ها زندگی می‌کند و سرانجام توله‌ها را رها می‌کند و برای جفت‌گیری بعدی آماده می‌شود. خرس‌ها زندگی جمعی ندارند که رابطه قدرت بین آنها تعریف شود، هر چه هست قانون حیات وحش است. رابطه خرس مادر با توله‌ها در مراقبت، آموزش و مبتنی بر محبت مادر و فرزند است که نمی‌توان آن را سیاست نامید. پلنگ‌ها و بیشتر گربه‌سانان مانند خرس‌ها زندگی انفرادی دارند و فقط در فصل جفت‌گیری کنار هم هستند.

شیرها زندگی گله‌ای دارند و تقریباً بدون ساختار اجتماعی هستند. گله معمولاً از یک شیر نر و تعدادی شیر ماده تشکیل می‌شود. ماده‌ها به‌صورت گروهی به‌شکار می‌روند، ولی شیر نر قبل از همه از شکار تغذیه می‌کند. یکی از راه‌های دلربایی و جذب شیر نر توسط شیر ماده، مهارت در شکار است. شیر ماده هنگام زایمان از گله جدا می‌شود و چند روز پس از زایمان همراه با توله‌ها بر می‌گردد و مورد استقبال گله قرار می‌گیرد. هرگاه یک شیر زخمی یا بیمار شود، از گله جدا می‌شود و سایرین از او دوری می‌کنند. اگر بهبود یابد به‌گله باز می‌گردد و مورد استقبال و نوازش قرار می‌گیرد. وظیفه شیر نر مراقبت از گله و قلمرو است و گاهی تا چند روز تا مرز قلمرو به‌گشت زنی می‌پردازد. توله‌های نر بعد از بلوغ باید گله را ترک کنند. در یک مستند حیات وحش، تعدادی توله نر که به‌بلوغ جنسی رسیده بودند، با توله‌های ماده رفتار متفاوتی داشتند، شیر نر متوجه این رفتار شد و با خشونت تمام، به آنها حمله کرد و همه توله‌های نر را از گله بیرون انداخت. به‌طور کلی می‌توان گفت در گله شیرها یک سری قوانین اجتماعی جاری است که همه آن را می‌دانند و رعایت می‌کنند و تقریباً سیاست در گله شیرها نقش چندانی ندارد.

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

اما زندگی گفتارها پیچیده و دارای یک ساختار طبقاتی بین ماده‌ها است. ماده‌ها قوی‌تر از نرها هستند و بیشتر شکارها توسط ماده‌ها انجام می‌شود. قوی‌ترین ماده در بالاترین رتبه در قبیله قرار می‌گیرد و بقیه ماده‌ها متناسب با قدرت آنها در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند. موقعیت گفتار نر وابسته به موقعیت جفت او است. به همین ترتیب جایگاه اجتماعی توله‌ها تعیین می‌شود و همه اعضاء رعایت می‌کنند. وقتی یک نر بالغ وارد قبیله گفتارها می‌شود، حتی اگر پذیرفته شود، رتبه آن پایین‌تر از همه‌ی توله‌ها است. خوش شانس‌ترین نری که وارد قبیله گفتارها می‌شود، نری است که مورد توجه دختر رئیس قبیله قرار گیرد. انتخاب جفت توسط ماده انجام می‌شود، ولی تصمیم نهایی با مادر است که با معیار توانایی‌های فیزیکی انجام می‌شود. صفا، صمیمیت و رابطه دوستانه‌ای که در گله شیرها دیده می‌شود، در قبیله گفتارها وجود ندارد. توله‌ی مادرانی که در رتبه پایین قرار دارند، همواره مورد تحقیر و آزار و اذیت توله‌هایی قرار می‌گیرد که مادرشان دارای رتبه بالاتری است.

میرکت یا دم عصایی عضوی از خانواده میمون‌های پوزه دراز است. میرکت‌ها در گروه‌های ۲۰ تا ۵۰ تایی در تونل‌های زیرزمینی زندگی می‌کنند. رهبری گروه بر عهده‌ی جفت آلفا است، ولی جنس ماده نسبت به نر قدرت بیشتری دارد. یک زوج میرکت سالانه ۲ تا ۴ توله به دنیا می‌آورند. همه اعضاء مسئول نگهداری، تغذیه و آموزش نوزادان هستند. یکی از وظایف مهم در گروه میرکت‌ها، نگهبانی است تا گروه را از خطرات احتمالی با خبر کند. کوتاهی در انجام وظیفه با مجازات همراه است. حتی خطا و رفتار خارج از ضوابط توله‌های زوج آلفا، بدون مجازات نیست که ممکن است کشته یا از گروه اخراج شود. اخراج از گروه مترادف با مرگ تدریجی است. در یک مستند حیات وحش، دختر یک زوج آلفا که به بلوغ جنسی رسیده بود، بخاطر جفت‌گیری با یک نر از گروه همسایه که در زمان نامناسب و بدون کسب اجازه انجام داده بود ترد شد. مدتی در تبعید بود تا آنکه گروه همسایه به آنها حمله کرد و توله ترد شده در نبرد با گروه متجاوز نقش مهمی بازی کرد و مورد عفو قرار گرفت.

حیات وحش تنها به خشونت و درندگی خلاصه نمی‌شود. کلک، حقه‌بازی و فریب هم وجود دارد. همراه با درنده خویی‌ها، در حیات وحش جلوه‌های شگفت‌انگیزی از عشق، مهربانی و فداکاری و از جان گذشتگی هم دیده می‌شود. حیات وحش قانون خود را دارد، و نظم و قانون به مفهوم حیوانی آن هم وجود دارد تا گله بتواند به بقای خود ادامه دهد. اعمال قدرت برای حفظ قلمرو، تأمین غذا و انسجام گروهی، اگر نشانگر سیاست نیست، پس چیست؟

زندگی اجتماعی بدون سیاست و اعمال قدرت چه در حیات وحش و چه در جامعه انسانی ناممکن است. بنابراین نمی‌توان سیاست را از زندگی اجتماعی انسان حذف کرد. بنابراین باید باتلاق سیاست را خشکاند.

زندگی اجتماعی، مهم نیست کجا باشد، در یک کشتی طوفان زده، یک قبیله بدوی، محیط کار، خانواده، یک مسابقه ورزشی یا کشور، بدون قانون و رعایت حقوق دیگران و انضباط اجتماعی به سرانجام خوش نخواهد رسید.

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

اگر مدیریت و استفاده بهینه از امکانات را سیاست بنامیم، انسان ذاتاً موجود سیاسی است. تفاوت سیاست‌ها در تشخیص اولویت‌ها و جهت‌گیری در استفاده از منابع است. تشخیص اولویت‌ها کار چندان ساده‌ای نیست، دانش، ایمان و مهارت می‌خواهد که تشخیص آن حتی برای سیاست‌مداران مجرب و کارکشته بدون مشورت با صاحب نظران آگاه و بی‌طرف ممکن نیست. سیاست سخت‌ترین و مهم‌ترین کار اجتماعی است و هیچ فضیلت اجتماعی بالاتر از فضیلت سیاسی نیست. فضیلت سیاسی یعنی قانون‌گرایی، رعایت تساوی حقوقی، ارجح دانستن منافع عمومی بر منافع شخصی و گروهی، مبارزه با هرگونه تبعیض و فساد اداری و حقوقی است. اگر جامعه از فضائل سیاسی متبلور شود، آنگاه فضائل اخلاقی و شغلی در سراسر کشور و در همه خانواده‌ها موج خواهد زد.

متأسفانه در فرهنگ عمومی ما سیاست آنقدر ساده و سطحی تعریف شده که هر کسی می‌تواند خود را سیاسی معرفی کند و نظریه سیاسی بدهد یا ادعا کند سیاسی نیست. در واقعیت همه شهروندان سیاسی فکر می‌کنند، سیاسی زندگی می‌کنند و زندگی آنان متأثر از تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. همین که کسی می‌گوید من سیاسی نیستم، یک نوع جهت‌گیری سیاسی برای حفظ و تأمین منافع شخصی یا گروهی است. اما اگر کسی بگوید من سیاست‌مدار نیستم، می‌تواند حرف درستی باشد. من پزشک نیستم، فیلم ساز نیستم، فوتبالیست نیستم، اقتصاددان نیستم، خلبان نیستم و هزاران تخصص دیگر را ندارم. اما به‌همه‌ی آنها نیاز دارم. جامعه، بیشتر از هر تخصصی، به‌سیاستمدار خبره و با فضیلت نیاز دارد.

اگر ورزشکاران ایرانی در عرصه‌ی جهانی به‌پیروزی می‌رسند، ناشی از رقابت نیم‌بندی است که در ورزش وجود دارد، زیرا در ورزش رقابت بین ورزشکاران و تیم‌های ورزشی علنی و در مقابل چشم مردم اتفاق می‌افتد و نتیجه آن آشکار و از طرف مردم قابل سنجش است و کمتر از بقیه رقابت‌ها می‌تواند گزینشی و تبعیض‌آلود باشد.

اهمیت سیاست و اقتصاد خیلی بیشتر از ورزش است، حتی تأثیر آنها بر سرنوشت عمومی قابل مقایسه نیست. رقابت‌های سیاسی و اقتصادی قبل از اجرا باید مورد نقد و انتقاد قرار گیرد. نقد نظریه‌های سیاسی و اقتصادی با مردم نیست، با سیاست‌مداران و اقتصاددانان است، اما باید در حضور مردم انجام شود تا مردم عادی از این طریق حضور سیاسی خود را حس کنند و از برنامه‌های سیاسی و اقتصادی مورد نظر خود طرفداری کنند. وقتی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی مورد نقد قرار نگیرد، یا مقامات توجهی به انتقادات صاحب نظران نداشته باشند، جامعه دچار مشکلات فزاینده می‌شود. مهمتر از همه کشور توان رقابتی خود را در عرصه‌ی جهانی از دست می‌دهد و وضع تولید کنندگان داخلی مانند آن است که بازی‌کنان تیم فوتبال بدون کفش فوتبال و با پای برهنه وارد زمین مسابقات جهانی شوند. اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امروز کشور حاصل شرایط رقابتی در دهه‌های اخیر در کشور است.

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

در سال ۱۳۵۷، در چنین روزهایی در تهران شایعه شد که مردم مشهد روی آسفالت خیابان، جلوی تانک‌ها دراز کشیدند و مانع حرکت آنها شدند. نمی‌دانم این شایعه درست بود یا نه، اما در بسیاری از شهرها از جمله مشهد مردم بر علیه شاه به تظاهرات می‌پرداختند. در آن روزها دغدغه‌ی مردم زندگی بهتر در سایه آزادی سیاسی بود. مهمترین ایرادی که به شاه می‌گرفتند این بود که به جای سلطنت حکومت می‌کند و انتخابات آزاد نیست.

در آن روزها به مردم القا شده بود که تنها مانع آزادی سیاسی و بهبود اوضاع اقتصادی کشور به‌ویژه در بخش مسکن، شاه است و با رفتن شاه، همه مشکلات کشور حل می‌شود. یکی از مشکلات بزرگ اقتصادی در اواخر زمان شاه، مسکن و زمین‌های خارج از محدوده شهری بود. در سال ۱۳۴۹ شهرداری‌ها برای نخستین بار در ایران محدوده‌های اراضی شهری را تعیین کردند و ساخت و ساز در خارج از محدوده شهری ممنوع شد که باعث افزایش سرسام آور قیمت زمین در داخل محدوده شهری شد. همچنین حفر چاه عمیق نیاز به مجوز داشت و اخذ مجوز هم چندان ساده نبود. در سال ۱۳۵۷، با اوج‌گیری تظاهرات، ساخت و ساز در خارج از محدوده شهری و حفر چاه عمیق بدون اخذ مجوز در مقیاس زیاد انجام می‌شد و مأموران دولت نمی‌توانستند ممانعت کنند. تقریباً یک حالت بی‌قانونی در کشور برقرار بود.

افراد و گروه‌های سیاسی هم از دموکراسی و آزادی سیاسی تعبیر خود را داشتند. مجاهدین خلق، فدائیان خلق، مائوئیست‌ها و حزب توده اصولاً دموکراسی را با تعبیر خودشان قبول داشتند که نظایر آن در حکومت‌های کاسترو در کوبا و انور خوجه در آلبانی وجود داشت. به‌طور کلی یک هرج و مرج فکری و قانونی بر کشور حکمفرما بود و آنچه به جایی نمی‌رسید صدای صاحب‌نظران و روشنفکران واقعی بود که با توهین و افترا و در بهترین حالت با اتهام غرب‌زدگی به حاشیه رانده می‌شدند.

کتاب‌های دکتر علی شریعتی با تیراژ بالا و قیمت پائین منتشر و توزیع می‌شد. شریعتی که با لیسانس ادبیات فارسی به فرانسه رفته بود، تز دکترایش تصحیح متن فارسی کتاب فضائل بلخ نوشته صفی‌الدین بلخی و ترجمه آن به زبان فرانسوی بود و عنوان رسمی دکترای او "تاریخ اسلام در قرون وسطی" بود. وی که لیبرالیسم غربی را به دلیل ابتذال اخلاقی و مارکسیسم را به دلیل ضدیتش با مذهب نکوهش می‌کرد، راه سومی تحت عنوان بازگشت به خویش را مطرح کرد. چون بازگشت ایرانیان به ریشه‌های آریایی خود را رد می‌کرد، بازگشت به ریشه‌های اسلامی را راه حل سوم و درست می‌دانست. شریعتی تلاش می‌کرد مفاهیم دینی را با تعبیر مدرن توصیف و ترویج کند و برتری‌های آن را نسبت به لیبرالیسم و مارکسیسم نمایان سازد. آثار و اظهار نظرهای علمی شریعتی نشان می‌دهد که او از جامعه‌شناسی علمی چیز زیادی نمی‌دانست و اصولاً تفاوت بین علم و دین را نمی‌دانست (منبع ۱). سخنرانی‌های شریعتی نوعی تأیید و ستایش اعتقادات دینی مردم بود و مورد استقبال عمومی قرار می‌گرفت.

فرومايگان و باتلاق سياست در ايران

سال‌ها قبل از شریعتی، مهندس بازرگان تلاش می‌کرد با تفسیر قوانین ترمودینامیک، اسلام را با علم پیوند بزند و توجه نداشت که اصول دین با اصول علمی تفاوت بنیادی دارند. اصول دین اعتقادی و ثابت است و شک در اصول دین کفر محسوب می‌شود. در حالی که اصول علمی باید با تجربه سازگار باشد، بنابراین شک در اصول علمی امری علمی و رایج است و اصول علمی قابل تغییرند (منبع ۱).

دکتر بنی‌صدر تعبیر اعتقادی را از ذهن به‌نان و زندگی روزمره مردم گره زد. وی با انتشار کتاب اقتصاد توحیدی با تفسیر آیات قرآن و احادیث، یک نوع حکومت اسلامی معرفی کرد که به‌ادعای او از بی‌عدالتی رایج در نظام سرمایه‌داری و دیکتاتوری کمونیستی مبری بود. به‌این ترتیب افکار سیاسی و اقتصادی عوام‌فریبان از پشت تریبون اعتقادات مردم پخش می‌شد و با تصورات و آرزوهای توده‌ی مردم سازگار بود و خواهان تصویب و اجرای آنها بودند. به‌این ترتیب زمینه‌ی فکری تشکیل باتلاق سیاسی در جمهوری اسلامی فراهم شد.

در سال‌های بعد، باتلاق سیاسی با عمق بیشتر در زمینه‌های مختلف گسترش یافت. در ۸ سال دولت طلایی آقای مهندس میرحسین موسوی سفره مستضعفان غارت شد و علم و اندیشه و نوآوری‌های صنعتی سرکوب شد و توان رقابتی ایرانیان تضعیف شد (منبع ۱). آقای بنی‌صدر که از فرانسه دکترای اقتصاد گرفته بود با رویکرد اعتقادی به‌اقتصاد، و جایگزین کردن تفسیر شخصی به‌جای تجارب اقتصادی، از درک واقعیت‌های اقتصاد، عاجز شد، چه برسد که به‌آقای موسوی که اصلاً سواد اقتصادی و تجربه مدیریتی نداشت و با پرچم چپ‌گرایی، ارز دولتی را ارزان و رانتی کرد، تولیدکنندگان داخلی را به‌سوی دلالی سوق داد و اقشار آسیب‌پذیر را به‌فلاکت و درماندگی انداخت (منبع ۱).

مشکل از آنجا آغاز شد که این آقایان تصور می‌کردند جامعه ایرانی یک توده‌ی خام از افراد ناآگاه، از دانش و تجربه بی‌بهره، و بی‌فضیلت تشکیل شده است. هر کس انتقادی داشت نادان بود یا سوء نیت داشت یا با این برچسب‌ها معرفی و وادار به‌سکوت می‌شد. بعد از آقای موسوی، آیت‌الله رفسنجانی که خود را از همه داناتر و یگانه‌ی روزگار می‌پنداشت، ریاست قوه مجریه را بر عهده گرفت. وی بدون آنکه به‌عاقبت تصمیماتش بیندیشد، فکر نکرده از طرف همه تصمیم می‌گرفت. این نظر را از روی تجربه شخصی خودم بیان کردم (منبع ۱). آیت‌الله رفسنجانی باتلاق سیاست را از نظر وسعت و عمق چنان گسترش داد که خودش هم نتوانست از آن بگریزد.

هر که از حلقه‌ی مردم گریخت

آنچنان شد که صدایش به‌جایی نرسید

از نظر من آقای رفسنجانی خبیث‌ترین، فرومایه‌ترین و احمق‌ترین سیاست‌مدار در طول تاریخ تمدن است تا جایی که حتی به تخریب علم و نوآوری علمی پرداخت (منبع ۱).

فرومايگان و باتلاق سياست در ايران

آقای رفسنجانی دین نداشت: چون مهمترین پیام دین این است که در پس امروز، فردایی هم هست. وطن نداشت: چون کشور و مردم از هم جدا نیستند، هر آنکس که به صدای مردم گوش نداد، در وطن‌داری و میهن دوستی او باید شک کرد.

احمق بود: کم نیستند کسانی که دین و وطن ندارند، اما آنقدر شعور دارند که حقوق و حق انتخاب ملتی را نادیده نگیرند.

وقتی سیاست در باتلاق سیاسی سقوط کند، برنامه‌های دولتی از ماهیت تهی می‌شوند و مقامات به تبلیغات بسنده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در دولت آقای خاتمی که دولت اصلاحات نامیده می‌شود، حتی علم تخریب شد و آن را پیشرفت علمی خواندند. در دولت آقای خاتمی، زمانی که آقای دکتر مصطفی معین وزیر علوم، تحقیقات و فناوری بود، با پرداخت پول، دانشگاهیان را تشویق می‌کردند مقاله علمی منتشر کنند و آن را تولید علم نامیدند و آقای معین افتخار می‌کرد که ایران از نظر شتاب علمی در جهان اول است (منبع ۱). در حالی که انتشار مقاله علمی، آخرین حلقه پژوهش علمی است. ولی در ایران دولت به آخرین حلقه پژوهش چسبید و مقاله نویسی به یک صنعت پول‌ساز تبدیل شد. اگر آن روز کسی می‌پرسید به کجا چنین شتابان، دهانش پر از خون می‌شد.

همچنان که در آغاز این نوشته گفتم، اگر در کشوری باتلاق سیاست شکل بگیرد، مقامات عاقبت بخیر نخواهند شد و مردم هم روزگار خوشی نخواهند داشت. برای جلوگیری از تشکیل باتلاق سیاست، یا خشکاندن باتلاق سیاست باید دولت‌مردان بدانند که عاقبت آنان به حال و روز مردم بستگی دارد.

ملت از طیف‌های مختلف تشکیل می‌شود و در هر طیف عده‌ی معدودی در تراز اول قرار دارند و بقیه اعضا آن طیف در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در صورت نیاز افرادی که در تراز اول قرار دارند با کمک و حمایت باقی اعضا وارد میدان می‌شوند و نیاز کشور را برآورده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در بین ۸۵ میلیون نفر ایرانی مقیم کشور، تعداد فوتبالیست‌هایی که صلاحیت شرکت در مسابقات جهانی دارند، شاید بیشتر از ۸۵ نفر نباشد. اگر این عده کنار گذاشته شوند، ایران نمی‌تواند در مسابقات جهانی شرکت کند. تمام طیف‌های اجتماعی از افرادی با رتبه‌های مختلف تشکیل می‌شوند. همچنان که در فوتبال، فوتبالیست‌ها باید دائم در حال تمرین و زورآزمایی باشند، تمام طیف‌های اجتماعی باید در حال تمرین و توان‌افزایی باشند.

در هیچ کشوری نمی‌توان ملت را به دولت تقلیل داد و نخبگان آن را به کارگزاران دولت خلاصه کرد. این وظیفه دولت‌مردان و به‌صلاح کشور است که صدای همه طیف‌های اجتماعی شنیده شود. صدای طیف‌های اجتماعی نخست از گلوی نخبگان آن طیف بیرون می‌آید، اگر شنیده نشد، به فریاد مردم تبدیل می‌شود و در خیابان‌ها پخش می‌شود. از آغاز تشکیل جمهوری اسلامی ایران، سیاست و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی توسط فرومايگان دانشگاه

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

دیده با تأیید و همکاری روحانیت در باتلاق گیر افتاد و رو به روز بیشتر فرو رفت و هر که اعلان خطر کرد، دهانش پر از خون شد.

سیاست یک پدیده اجتماعی است که در حیات وحش هم وجود دارد. در رده‌ی پستانداران، چه در حیات وحش و چه در جامعه انسانی، جنس ماده محور تشکیل جامعه است. از نظر رفتاری، نه از نظر قانون نوشته شده، هیچ مرز مشخصی بین حقوق اجتماعی زن و مرد وجود ندارد. مشکلات و ناملايمات زن آسیب دیده به مرد منتقل می‌شود. زن تحقیر شده، اگر حقارت را بپذیرد، نسل‌های بعدی را حقیر بار می‌آورد، اگر حقارت را نپذیرد، زندگی مختل می‌شود. مشاهدات میدانی من هرچند محدود است، نشان می‌دهد، شخصیت و توان فکری و روحی مادر، در سرنوشت فرزندان و آرامش و پیشرفت جامعه نقش غیرقابل انکاری دارد.

فراموش نکنید زندگی همه‌ی ما، حتی تنفس ما تحت تأثیر سیاست است. برای بهبود زندگی شهروندان و پیشرفت و سربلندی کشور، حقوق و حرمت زنان را باید پاس داشت.

#زن_زندگی_آزادی

#mahsa_amin_i امینی

منبع:

۱ - حسین جوادی، ایران و قییم مآبی لجام گسیخته

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6973266479588745217/>

<https://youtu.be/Z201Nu3NGCI>

بخش‌های قبلی آیین نخبه کشی

۱ - مقدمه

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6856236436891439104/>

۲- آیین و کنترل اجتماعی

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6856856051954794497/>

۳ - مشکل شناسی نخستین گام برای مشکل گشایی است

فرومایگان و باتلاق سیاست در ایران

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6857601225819484160/>

۴ - معجزه ی آشنایی مردم با مشکلات

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6858381743607578624/>

۵ - چرا وارد این بحث شدم؟

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6859128240733212673/>

۶ - ابهام زدایی از نخبه کشی

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6860897605770059776/>

۷ - معیار بزرگی یک ملت چیست؟

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6869904070723809280/>

۸ - نخستین نخبگان ملی ایران

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6870773400822939648/>

۹ - ملت بزرگ

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6872510101891104768/>

۱۰ - نادانی قابل درمان است، اما حماقت نیست

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6874274431175278592/>

۱۱ - حماقت شناسی

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6877983275344789504/>

۱۲ - فراری دادن مغزها

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6878385601951870976/>

بخش ۱۳ - انسان های حقیر

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6889213485402742784/>

بخش ۱۴ - راه حل بدتر از خود مشکل

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6892376356601110528/>

بخش ۱۵ - سمفونی مردگان از اسطوره ها تا کف جامعه

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6896815914105356289/>

فرومايگان و باتلاق سياست در ايران

بخش ۱۶ - بزرگترین آرزوی شما چیست؟

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6902903357451702272/>

بخش ۱۷ - جامعه پخته پرور

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6908750294692319232/>

بخش ۱۸ - زرنگی و نخبگی

<https://www.linkedin.com/feed/update/urn:li:activity:6935910652855111680/>